

Pleasure and pleasure-seeking from the perspective of the Qur'an and materialists

Ali Ahmadpour¹

Abstract

Pleasure and pleasure-seeking are things that human beings are naturally attracted to. The Qur'an, by acknowledging that the principle of inclination to pleasure is embedded in human beings, forbids unrestrained and abandoned use of it and condemns the preference of material and fleeting pleasures over lasting pleasures, which can deprive man of true perfection and happiness. But from the point of view of materialistic schools, man's happiness and well-being is in gaining as much worldly pleasures as possible. What are the criticisms of materialistic pleasure compared to Qur'anic pleasure? The research method used here is descriptive-analytical. Findings show that knowledge and awareness of worldly and otherworldly pleasures and their comparison, faith and love, closeness to God, thinking and preferring pleasures over mortal, piety and asceticism are the pleasures recommended by the Qur'an that keep man from attachment to worldly pleasures. But denying or neglecting the heavenly dimension of man, giving originality to immediate pleasures, neglecting otherworldly and human-centered pleasures are the characteristics of materialistic schools of pleasure that lead to the preference of material pleasures over otherworldly and lasting pleasures.

Keywords: pleasure, pleasure- seeking, materialistic pleasure, Qur'anic pleasure, hereafter pleasure.



1. Assistant Professor Department of Islamic knowledge, University of mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
Ali.ahmadpour@uma.ac.ir

بررسی لذت و لذت‌طلبی از منظر قرآن و مادی‌گرایان

علی احمدپور*

چکیده

لذت و لذت‌طلبی از اموری است که انسان به‌طور فطری به آن گرایش دارد و اندیشمندان اخلاقی و فلسفی، از روزگاران قدیم درباره آن بحث کرده‌اند. قرآن با تأیید اینکه گرایش به لذت در وجود آدمیان قرار داده شده است، استفاده افسارگسیخته از آن را نهی می‌کند و ترجیح لذت‌های زودگذر مادی را که آدمی را از کمال و سعادت حقیقی بازمی‌دارند، بر لذات پایدار اخروی مذموم می‌شمارد. در مقابل، از دیدگاه مکاتب مادی‌گرا، سعادت آدمی در کسب هرچه بیشتر لذات دنیوی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی لذت مادی‌گرایانه و لذت قرآنی است تا به این پرسش پاسخ بدهد که چه نقدهایی بر لذت مادی‌گرایانه در مقایسه با لذت قرآنی وارد است؟ روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرآن، انسان را به آگاهی از لذات دنیوی و اخروی و مقایسه آن‌ها، ایمان و عشق، قرب به خدا، تفکر و ترجیح لذات باقی بر فانی، تقوا و زهد از لذات توصیه و او را از دل‌بستگی به لذت‌های دنیوی نهی کرده است. در حالی که انکار یا غفلت از بُعد ملکوتی انسان، اصالت‌دادن به لذات آنی، غفلت از لذات اخروی و

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.



انسان محوری، از ویژگی‌های مکاتب مادی‌گرا درباره لذت است که سبب ترجیح لذت‌های مادی بر لذات اخروی و پایدار می‌گردد.

کلیدواژه‌ها

لذت، لذت‌طلبی، لذت مادی‌گرایانه، لذت قرآنی، لذت اخروی.

طرح مسئله

مقوله لذت و لذت‌طلبی یکی از موضوعاتی است که در اخلاق و فلسفه اخلاق درباره آن بحث شده است و نظریه‌های گوناگونی در این زمینه از سوی اندیشمندان فلسفه و اخلاق یونانی و معاصر مطرح شده است. قرآن هم لذت و لذت‌گرایی را از مواردی می‌داند که فطرتاً در وجود انسان قرار داده شده است؛ یعنی آدمیان فطرتاً به دنبال لذت‌ها هستند و از درد و رنج دوری می‌کنند. اما معمولاً در تشخیص لذات حقیقی از لذات زودگذر به خطا می‌روند و لذات آنی را بر لذات پایدار ترجیح می‌دهند. در این بین، مادی‌گرایان نوعاً به این شکل عمل می‌کنند و چون در این دنیا با امور مادی انس گرفته‌اند، همه لذات را در لذات دنیوی خلاصه می‌کنند، در حالی که از دیدگاه قرآن، لذت‌های مادی ابزار و مقدمه‌ای برای رسیدن به لذت‌های اخروی و معنوی هستند و برای رسیدن به لذت پایدار و زیاد باید متحمل رنج و زحمت شد. همچنین، بی‌اعتنایی به لذت کم و گذرا برای خلاصی از رنج فراوان، مطابق با عقل و فطرت انسان است و همه کارهای عقلایی بر اساس این محاسبات انجام می‌گیرد.

اینکه انسان‌ها برخی از لذت‌ها را بر بعضی دیگر ترجیح می‌دهند و در این زمینه اختلاف دارند، معلول اختلاف تشخیص و اشتباه در محاسبه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۷). بنابراین، دسته‌ای از لذت‌ها در دنیا برای انسان قرار داده شده است؛ مانند لذت خوردن، نوشیدن و... که معمولاً همه انسان‌ها این لذت را درک می‌کنند،



اما لذت‌های فراتری نیز وجود دارد که آدمی بدون تلاش به آن‌ها نمی‌رسد؛ مانند مأنوس شدن با امور معنوی مثل ارتباط با خدا، تبعیت از اوامر و دوری از نواهی الهی. این نوع لذت‌ها، برای آدمی بهترین لذت محسوب می‌شوند.

مکاتب مختلف مادی‌گرا درباره لذت و لذت‌گرایی بحث کرده و آن را مهم‌ترین مقوله در زندگی انسان دانسته‌اند. این مکاتب، نظریه‌های گوناگونی در این زمینه مطرح کرده‌اند، اما بین دیدگاه آن‌ها با دیدگاه اخلاقی قرآن تفاوت قابل توجهی وجود دارد. این مقاله بر آن است لذت قرآنی را با رویکرد مطرح در اخلاق اسلامی و فلسفه اخلاق تبیین و تحلیل و لذت مادی‌گرایانه را در مقایسه با لذت قرآنی ارزیابی کند. مسلماً لذت‌های اخلاقی توصیه شده در قرآن، ماندگارتر و موجب خوشبختی انسان است، اما لذتی که مادی‌گرایان بر آن تأکید کرده‌اند، زودگذر و موجب دورشدن از لذت حقیقی است.

پرسش‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱. لذت از دیدگاه قرآن و مادی‌گرایان چگونه تعریف و تبیین شده است؟
۲. تمایز دو دیدگاه و ملاک برتری دیدگاه قرآن در مقوله لذت نسبت به نظر مادی‌گرایان چیست؟

۱- پیشینه تحقیق

یکی از مفاهیم مهمی که در اخلاق و فلسفه اخلاق از آن سخن به میان آمده و دیدگاه‌های مختلفی درباره آن مطرح شده، مفهوم لذت و لذت‌گرایی است. مباحث مهمی را درباره این موضوع می‌توان در آثار فیلسوفان یونان باستان مانند سقراط، افلاطون، ارسطو، آریستئیوس و اپیکور و آثار فیلسوفان معاصر چون جان لاک، هابز، هیوم، جرمی بنتام، جان استوارت میل، سیجویک، جورج ادوارد مور، برود (Broad)، برنتانو (Brentano)، رایل (Ryle)، و برانت (Brandt) مشاهده کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸).





در این میان سقراط، آدمیان را به لذات پایداری چون رسیدن به خوشبختی و لذت اخروی ترغیب و سعادت را در غلبه لذات بر رنج‌ها تلقی می‌کرد (افلاطون، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۱۶).

افلاطون نیز سعادت‌مندی را در لذت عقلی و حکم و دخالت عقل در انتخاب لذت واقعی و ارزشمند می‌دانست. او توصیه می‌کرد برای رسیدن به لذت اخروی باید میان قوای انسانی تعادل برقرار کرد (همان، ج ۳، ص ۱۳۲۶). اپیکور، در وصف لذت موردنظر خود می‌گوید: «اگر بخواهیم لذت واقعی داشته باشیم باید گوش به فرمان جسم خود باشیم. لذت، مبدأ و غایت حیات سعادت‌مندانه است. در واقع، لذت اولین خیر مطابق با طبیعت است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳-۱۳۴).

حکمای اسلامی علاوه بر لذات و سعادت دنیوی، به شناسایی و شناساندن لذات اخروی همت گماشتند؛ مثلاً کندی، دسترسی به لذت و سعادت معنوی و پایدار را در جهان آخرت امکان‌پذیر می‌داند و معتقد است این دنیا مقدمه و پلی برای رسیدن به آن لذت پایدار است (کندی، ۱۳۶۹، صص ۲۷۲ و ۲۷۷).

فارابی هم به موضوع پاداش و لذت‌های اخروی پرداخته و لذت در آخرت را غیرمادی و فوق‌تصور انسان دانسته است (فارابی، بی‌تا، ص ۸۲). ابن‌سینا، بر لذت عقلانی تأکید کرده و دیگر قوای نفس را مادی پنداشته است. وی لذت اخروی را لذت معقول دانسته و معتقد است از همه لذت‌ها از قبیل لذت حیوانی و حسی برتر و پایدارتر است (ابن‌سینا، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۶۹۰).

سهروردی، لذت نوری و نورالانواری را برای بعضی از نفوس مطرح کرده و آن را لذتی برتر و پایدارتر از لذت جسمی و حسی دانسته است (سهروردی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۳۴-۲۳۵).

در زمینه لذت و لذت‌گرایی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. از مهم‌ترین مقالاتی که در این باره نوشته شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



- مقاله‌ای با عنوان «مکتب لذت‌گرایی در چهره‌های گوناگون» از جعفر سبحانی (۱۳۷۹). سبحانی در این مقاله، سیر تفکر و شکل‌گیری لذت‌گرایی را از دوره باستان تا زمان راسل تبیین و تحلیل کرده است.

- مقاله «تحلیلی درون‌دینی بر لذت‌گرایی اپیکور» از روح‌الله شاکری زواردهی (۱۳۹۶)؛ چاپ‌شده در پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۳۵. در این مقاله به تحلیل و ارزیابی دیدگاه اپیکور درباره لذت پرداخته شده است.

- مقاله‌ای با موضوع «لذت‌گرایی»، به قلم مهدی فصیحی رامندی. نویسنده در این مقاله به دسته‌بندی و ارزش‌گذاری انواع لذت پرداخته است.

- مقاله‌ای با عنوان «بررسی انتقادی چیستی لذت در فلسفه اسلامی» از سید عبدالرحیم حسینی که در آن آرای شماری از فیلسوفان مسلمان تبیین و تحلیل شده است.

- کتاب «نقد و بررسی مکاتب اخلاقی» نوشته محمدتقی مصباح یزدی. نویسنده در لابه‌لای مباحث به مطالبی درباره مکاتب لذت‌گرا اشاره کرده است.

با بررسی پژوهش‌های پیشین در زمینه مبحث لذت و لذت‌طلبی معلوم شد بیشتر این تحقیقات در حوزه نظریه‌های اندیشمندان، مکاتب غربی و فیلسوفان صورت گرفته است و تاکنون پژوهش مستقلی درباره مقایسه دیدگاه مادی‌گرایان با رویکرد اخلاقی قرآن درباره لذت و لذت‌طلبی انجام نگرفته است. بنابراین، وجه تمایز این تحقیق از پژوهش‌های پیشین این است که به‌طور مستقل و جامع، با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد اخلاقی و قرآنی به ارائه، تبیین و تمایز دو دیدگاه پرداخته است.

۲- مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی لذت

لذت، واژه‌ای عربی از ریشه «لذذ» و به معنی هماهنگی و تلاؤم و سازگاری چیزی با طبع آدمی است، به گونه‌ای که موجب آسایش و راحتی او می‌گردد (مصطفوی،



۱۳۶۸، ج ۱۰: ص ۱۸۴؛ ریشه صحیح آن «لذ» است و دلالت بر گوارا بودن و خوش طعم بودن چیزی دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۴). لذت، به معنی ادراک آن چیزی است که مورد درخواست و اشتهای نفس است و نقیض آن را «الم» نامیده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۵۰۷). دهخدا لذت را «حالتی موافق تن مردم یا احساس و ادراکی ملایم با طبع» تعریف کرده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲: ص ۱۷۳۴۳).

درباره تعریف اصطلاحی و حقیقت لذت، دیدگاه‌های متفاوتی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی و غربی ارائه شده است. فارابی، ملاصدرا و سهروردی، لذت را «ادراک امر ملائم با طبع انسان» تعریف کرده‌اند (فارابی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۴؛ سهروردی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳؛ ملاصدرا، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۲). زکریای رازی، لذت را بازگشت به حالت طبیعی و در مقابل، الم را خروج از حالت طبیعی تعریف می‌کند (رازی، ۱۴۰۲ق، ص ۳۷). ابن سینا معتقد است لذت یعنی ادراک و نائل شدن به وصول آنچه نزد ادراک کننده کمال و خیر است، از آن جهت که کمال و خیر است (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۳: ص ۳۳۷). در اخلاق هم علامه نراقی، لذت را پیامد نیل به امر مطلوب می‌داند (نراقی، ۱۳۵۷، ص ۱۱۷).

علامه طباطبایی، لذت را «ادراک ملائم طبع» و الم را «ادراک منافی طبع» تعریف کرده است. وی لذات را به لذت حسی و خیالی و لذت عقلی تقسیم کرده و از لذت عقلی به علت ثبات و تجرّدش، به منزله قوی‌ترین و شدیدترین لذت‌ها نام برده است (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۴). وی ملاقات پروردگار و وصول به بهشت را سعادت و کمال نهایی آدمی دانسته و معتقد است بهره‌برداری از لذت‌های مادی که با کمال نهایی آدمی منافی نباشند، مقدمه و ابزاری برای وصول به لذت حقیقی و اصیل است (همو، ۱۳۹۳، ج ۳: ص ۱۱۱). شهید مطهری در تعریف لذت می‌نویسد: لذت یعنی «انعکاس نفسانی نیل قوه‌ای از قوا به کمالی که در استعداد دارد» (مطهری، بی تا، ج ۷: ص ۷۱).

بنابراین، لذت یعنی حالتی ادراکی که هنگام یافتن امور دل‌خواه برای ما حاصل می‌شود. البته حصول لذت افزون بر وجود ذات لذت‌برنده و شیء لذیذ، متوقف بر داشتن یک نیروی ادراکی خاصی است که بتوان یافتن مطلوب را با آن درک کرد و همچنین، متوقف بر شناخت مطلوبیت آن چیز و توجه به حصول آن است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲-۱۶۳).

بر این اساس، در تعریف لغوی لذت، بین اندیشمندان حوزه‌های مختلف اتفاق نظر وجود دارد، ولی در تعریف اصطلاحی آن اختلاف نظر دیده می‌شود. البته می‌توان وجه اشتراکی برای دیدگاه‌های مختلف بیان کرد و آن این است که حقیقت لذت، یک نوع ادراک نفسانی است، اما کیفیت و حصول این نوع ادراک، وجه تمایز صاحب‌نظران است.

۳- اقسام لذت

برای واژه لذت، انواع و اقسام مختلفی در نظر گرفته‌اند و اندیشمندان اخلاقی و فلسفی در این باره بسیار سخن گفته‌اند. هر گروه به اعتبار متفاوت، تقسیم خاصی برای لذت ارائه کرده‌اند. برای دستیابی به درک درست از این واژه به‌طور اجمالی به این دسته‌بندی‌ها اشاره می‌شود:

خواجه طوسی، لذت را به اعتبار نوع کنشی که با انسان دارد، به دو دسته «فعلی» و «انفعالی» تقسیم می‌کند (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۰۳). توضیح بیشتر اینکه گاهی انسان کار می‌کند و لذت می‌برد که بدان لذت فعلی گویند و گاهی کار می‌پذیرد و لذت می‌برد که آن را لذت منفعلانه می‌گویند. کسی که در اثر تسلط شهوت و غضب بر عقل، کاری انجام می‌دهد، در واقع، منفعل است؛ چراکه نیروی شهوت و غضب دستور داده و او آن را اجرا می‌کند و اثرپذیر می‌شود. در نتیجه، لذتی که از این راه می‌برد، لذت انفعالی است؛ برای مثال، هوای نفس با تحریک شهوت غذا، انسان را وادار می‌کند منفعلانه لذت ببرد. چنین کسی در کنار



سفره به ظاهر لذت می‌برد، ولی لذتش انفعالی است، نه فعلی. اما اگر کمتر غذا بخورد و بهتر بفهمد، لذت عاقلانه حاصل برای او لذت فعلی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۳-۲۴۶).

تقسیم دوم لذت، بر اساس دو بُعد وجود انسان یعنی جسم و روح است که بر این اساس لذات به دو گونه جسمی و روحی دسته‌بندی می‌شوند. این نوع تقسیم‌بندی را در مکتوبات ابن سینا نیز می‌توان یافت (همان، ص ۲۵۰؛ نراقی، ۱۳۷۸، ص ۸۹۳).

عده‌ای به جای تعابیر جسمی و روحی، از واژه‌های جسمانی و روحانی استفاده کرده‌اند. اگرچه این دو تعبیر در واقع به یک مفهوم دلالت می‌کنند، با هم تفاوت جزئی دارند؛ با توجه به تعریف لذت به «ادراک امر ملائم»، فهمیده می‌شود که حصول لذت به دو جزء مدرک و مدرک (امر ملائم) وابسته است.

بنا بر هر یک از این دو جزء، عنوان خاصی برای تقسیم لذت در نظر گرفته می‌شود. به اعتبار مدرک که جسم و روح انسان است، اگر ادراک لذت از طریق جسم باشد، لذت آن را جسمی گویند و اگر ادراکش با روح انسان صورت گیرد، لذتش را روحی گویند. و به اعتبار مدرک یا همان شیء ملائم، اگر مدرک از جنس ماده باشد، لذتش را جسمانی می‌گویند و اگر یک امر معنوی و غیرمادی باشد، یعنی از تصور ذهنی و روابط میان اشیا و مفاهیم انتزاع شده باشد، لذتش را روحانی می‌نامند.

بنا بر آنچه گفته شد، حقیقت لذت نوعی ادراک است و ادراک نیز به تبع اقسام قوای ادراکی، تقسیم‌پذیر می‌شود و بر این اساس، با تقسیم قوای ادراکی به ظاهری و باطنی (شامل خیال و وهم) و عقلی، اقسام سه‌گانه‌ای را برای لذت برمی‌شمارند: (۱) لذت حسی ظاهری که از طریق حواس ظاهری حاصل می‌آید؛ (۲) لذت حسی باطنی که برخاسته از ادراکات خیالی و وهمی است؛ (۳) لذت عقلی که از ادراکات عقلی نشأت می‌گیرد (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۲: ص ۳۳۱). این نوع تقسیم‌بندی، یک



تقسیم‌بندی رایج در علم فلسفه است که البته برخی آن را با تقسیم‌بندی قبلی، یعنی جسمی و روحی، قابل تطبیق دانسته‌اند (مطهری، بی‌تا، ج ۷: ص ۸۴).

در تقسیم لذات بر اساس ابعاد وجودی انسان به لذات جسمی و روحی، بدان دلیل که اصالت را به روح انسانی داده‌اند، لذات مربوط بدان را اصیل دانسته و لذات جسمی را فرع معرفی کرده‌اند.

با این بیان، بر لذتی باید تأکید کرد که مستقیماً روح را بهره‌مند کند. اگر لذتی جسم را بهره‌مند کند، اما روح را برنجانند، در حقیقت، درد است نه لذت؛ مانند لذت کاذب معتاد از مواد تخدیری که در واقع، سلامت روان و حتی حیات وی را در رنج و مخاطره قرار داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۰)؛ از همین روست که گرایش اهل علم و فضل به لذات روحی نسبت به لذات جسمی بیشتر است (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۳: ص ۳۳۶).

عده‌ای برتری لذات را تابع ادراک قوا و بالاترین و قوی‌ترین مرتبه لذت را لذت عقلی دانسته‌اند؛ بدین صورت که اگر قوه عقلیه بر دیگر قوا غلبه کند، فرد به مرتبه ادراک لذت عقلیه می‌رسد و این لذت، لذت فعلی می‌شود که با اختلاف حالات از بین نمی‌رود؛ برخلاف لذات حسی که انفعالی و زوال‌پذیر و عرضی‌اند (نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۳۹).

طبق تقسیم‌بندی دیگر، قوای انسانی به دو دسته علمی و عملی تقسیم شده است. قوای علمی شامل اقسام چهارگانه حسی، تخیل، وهم و عقل علمی می‌شود. قوای عملی نیز شامل شهوت، غضب و عقل عملی است. برای هر یک از این قوا ادراک و در نتیجه، لذتی وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۲).

لذت خیالیه مانند شادی حاصل از ادراک صور و معانی جزئی ملائم؛ لذت عقلیه مانند انبساط حاصل از معرفت اشیای کلی؛ لذت غضبیه مانند انبساط حاصل از غلبه و نیل به مناصب و پست‌ها؛ و لذت شهویه یا بهمیه، لذتی است که از خوردن، جماع و امثال این امور حاصل می‌گردد (نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۴۲۱).



تقسیم‌بندی نهایی، بر اساس لذات موجود در دنیا و آخرت مطرح می‌شود و شامل لذات دنیوی (ناپایدار) و لذات اخروی (پایدار) است که ابن سینا آن را به منزله تقسیم‌بندی دوم در بعضی از آثارش آورده است (خادمی، ۱۳۸۹، ص ۴۴). همچنین، لذات اخروی از آن‌رو که پایدارتر از لذات دنیوی هستند، ملاک تقسیم‌بندی شماری از اندیشمندان مسلمان قرار گرفته‌اند.

۴- لذت در قرآن کریم

در قرآن کریم از اقسام چهارگانه لذت، یعنی معنوی، حسی، خیالی و وهمی سخن به میان آمده است؛ حدود ۸۵ بار در آیات مختلف به لذت‌های معنوی و عقلی اشاره شده است. به لذت‌های حسی شامل هفتاد مورد لذت مشروع و ده مورد لذت نامشروع دنیوی است، اشاره شده است. لذت‌های خیالی حدود ۲۷ بار و لذت‌های وهمی یک بار در قرآن آمده‌اند. از لذات اخروی با فراوانی حدود ۱۵۲ مورد، تقریباً دو برابر لذات مشروع دنیوی (با فراوانی حدود ۷۰ بار)، سخن به میان آمده است.

مصادیق لذت‌های معنوی در قرآن عبارت‌اند از: خشنودی خدا، آرامش، راستی و... که در سوره‌ها و آیات مختلفی آمده‌اند؛ مانند آل عمران: ۳۱، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۷۴؛ انعام: ۱۹، ۳۴، ۳۹، ۶۳، ۸۴، ۹۶، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۲۵؛ قصص: ۷۷؛ عنکبوت: ۷؛ روم: ۴ و ۱۵؛ جاثیه: ۳۰؛ محمد: ۲؛ فتح: ۲، ۵، ۱۰، ۱۶، ۲۹؛ دخان: ۵۳ و ۵۷.

مصادیق لذت‌های حسی در قرآن کریم عبارت‌اند از: الف) لذت‌های مشروع مانند روزی فراوان، تعیین سه زمان در شبانه‌روز برای خلوت زن و شوهر، آفرینش حیوانات برای استفاده از گوشت آن‌ها و سواری گرفتن که در این سوره‌ها آمده است: انبیاء: ۸۹؛ حج: ۲۸؛ صافات: ۱۰۱؛ زخرف: ۷۳؛ دخان: ۲۶ و... ب) لذات نامشروع مانند شراب، قمار، ازدواج با زیبارویان مشرک و... که در سوره‌هایی مانند انعام: ۳۲؛ مرسلات: ۴۶؛ مائده: ۹۰؛ انبیاء: ۲ و... به آن‌ها اشاره شده است.



در قرآن به لذات خیالی نیز در سوره‌های بقره: ۱۱۸؛ زمر: ۲۱؛ حج: ۲۳؛ انعام: ۸۷؛ قصص: ۷۶؛ انفال: ۱۱؛ انسان: ۱۳؛ فرقان: ۷۶ و... اشاره شده است که مصادیق آن عبارت‌اند از: لباس‌های سبز ابریشمی در بهشت، تکیه‌دادن بر تخت‌های بهشتی، کاسه‌های پر از شراب بهشتی و زنان زیباروی بهشتی (تمسکی، ۱۳۸۶، ص ۷۰-۸۵).

با توجه به تقسیم‌بندی بالا، قرآن در قبال انجام کارهای ارزشمند، به مؤمنان دو گونه وعده داده است: یکی، وعده لذت‌هایی که مشابه آن‌ها را در دنیا چشیده‌اند و دیگری، وعده لذت‌هایی که از کیفیت آن‌ها بی‌خبرند. بسیاری از مؤمنان به امید رسیدن به این پاداش‌ها به انجام کارهای خوب اقدام می‌کنند. قرآن در مقام تشویق مردم به انجام کار خیر وعده می‌دهد که در بهشت، لذت‌هایی پایداتر از لذات دنیا را خواهند چشید. ذکر این نعمت‌ها زمینه‌ای می‌شود تا وجود نعمت‌های بهتر و لذت‌بخش‌تر را هم درک کنند.

در قرآن از لذت‌هایی یاد شده که از سنخی دیگر و بسیار بالاتر هستند و اصلاً با لذت‌های دنیوی قابل مقایسه نیستند؛ مانند ﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ (توبه: ۷۲). در جای دیگر می‌فرماید: ﴿يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. فَلَا تَغْلِبُهُمْ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. هیچ کس نمی‌داند و نمی‌تواند درک کند چه پاداش‌های مهمی که مایه روشنی چشم‌هاست برای آن‌ها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند (سجده: ۱۷-۱۶). در آیه دیگری نیز آمده است: ﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ﴾؛ هر چه می‌خواهند و میل آن را دارند، برایشان فراهم می‌کنیم، اما بیش از آنچه آن‌ها می‌خواهند هم در نزد ما وجود دارد و به آن‌ها می‌دهیم» (ق: ۳۵).

همه این وعده‌های الهی تشویق آدمی برای دستیابی به لذت برتر و چشم‌پوشی از لذات زودگذر دنیوی است. بنابراین، قرآن بدون اینکه میل به لذات را در وجود



آدمی انکار یا محکوم کند، مجموعه‌ای از تعالیم و روش تربیتی خود را طبق لذت نهادینه شده در وجود انسان قرار داده است.

به نظر می‌رسد در قرآن، لذت فقط برای انسان به کار می‌رود و تعبیری که برای نشان دادن این حالت در حیوان است، متفاوت است. همچنین، تعبیر لذت فقط درباره نعمت‌ها و لذت‌های برتر به کار رفته و این برتری به دلیل این است که آن‌ها یا شادی‌های روحی و عقلی یا شادی‌های مختص انسان هستند. البته اینکه لذات برتر اخروی، لذات عقلی و روحی باشد، از آیات زیر استفاده می‌شود:

﴿وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ در آنجا هر چه نفوس را بر آن میل و اشتهاست و چشم‌ها را شوق و لذت، مهیا باشد و شما مؤمنان در آن بهشت جاویدان متنعم خواهید بود» (زخرف: ۷۱).

در آیه بالا، عبارت ﴿وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾، بشارت و وعده‌ای به مومنان است که به طور دائم در این نعمت خواهند بود. این بشارت خود نوعی لذت روحی به ارمان می‌آورد که با هیچ لذت دیگری قابل مقایسه نیست (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۸: ص ۱۸۳).

طبق این آیه، قرآن از میل به لذت در وجود انسان استفاده و آدمی را به عمل به دستورهای الهی ترغیب می‌کند که پایبندی به اوامر الهی و ترک نواهی او سبب رسیدن به لذت حقیقی و خوشبختی پایدار خواهد بود، اما در صورت خودداری و بی‌اعتنایی به اوامر الهی، لذت به عذاب‌های تلخ و رنج‌های سخت تبدیل خواهد شد. علاوه بر این بیانات و تعابیر کلی، در بعضی آیات قرآن از تعبیر «لذت»، استفاده شده است: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ﴾؛ داستان بهشتی که به متقیان وعده دادند این است که در آن باغ بهشت نهرهایی از آب زلال دگرگون ناشدنی است و نهرها از شیر بی‌آنکه هرگز طعمش تغییر کند و نهرها از شراب ناب که نوشندگان را به حد کمال لذت بخشد» (محمد: ۱۵).



لذت و پاداشی که خداوند در قبال کارهای نیک به بنده خود می‌دهد، وصف‌نشدنی است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ هیچ‌کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان کرده‌ام» (سجده: ۱۷).

قرآن کریم می‌فرماید: «شما زندگی دنیوی و لذت‌های موجود در آن را ترجیح می‌دهید، در حالی که آخرت و لذات اخروی برتر و مقدم است» (اعلی: ۱۷-۱۶). طبق این آیه شریفه، آدمی باید با عقل سلیم خود از بین لذت‌های مختلف، لذتی را که باعث سعادت همیشگی او می‌شود، انتخاب کند؛ چون نمی‌توان هم‌زمان از همه لذات استفاده کرد. پس، باید از لذات زودگذر همچون ابزار و مقدمه برای رسیدن به لذات قوی‌تر و پایدارتر بهره گرفت. خداوند حکیم، با ابزار عقل و وحی، بارها به انسان یادآور شده است که لذت و سعادت پایدار تنها در عالم آخرت اتفاق خواهد افتاد؛ بنابراین، نباید لذت زودگذر را به لذت پایدار ترجیح داد.

از منظر قرآن، بهترین لذت‌ها احساس رضایت خداوند از انسان است که سبب شادابی و نشاط و تقویت روحیه آدمی می‌شود؛ زیرا انسان به‌خاطر اینکه محبوبش از او راضی است، احساس ارزشمندی می‌کند.

در قرآن، پاداش تقوا و فرمان‌برداری از خداوند، رضایت خداوند ذکر شده که بالاترین لذت‌ها را به همراه دارد: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ خدا از آنان خشنود است و آنان [نیز] از او خشنودند. این رستگاری بزرگی است» (مائده: ۱۱۹). ﴿وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ رضا و خشنودی خدا از همه این‌ها برتر است و پیروزی بزرگ، همین است» (توبه: ۷۲).

تعابیر «اکبر» و «فوز عظیم» به‌خوبی نشان می‌دهند که هیچ موهبتی از مواهب الهی به این پایه نمی‌رسد؛ به‌گونه‌ای که جمله‌ای که مفهوم حصر را در بر دارد، می‌گوید: «پیروزی بزرگ در همین است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۹: ص ۲۹۳-۲۹۵).





بنابراین، با توجه به مطالب پیش گفته به این نتیجه می‌رسیم که در قرآن، هم به لذت‌های دنیوی اشاره شده است و هم به لذت‌های اخروی؛ اما لذات دنیوی وسیله‌ای است برای رسیدن به لذات برتر و جاویدان که همان لذت‌های اخروی هستند.

۵- راه‌های رسیدن به لذت برتر از منظر قرآن

۱-۵. ترجیح لذات پایدار بر لذت‌های زودگذر

لذت‌های دنیا پایدار نیستند و انسان بعد از مدتی از آن‌ها خسته و ملول می‌شود و به دنبال تنوع می‌گردد. در حالی که در عالم آخرت و بهشت جاویدان الهی اصلاً درد، رنج و خستگی معنا ندارد: ﴿لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ﴾ (حجر: ۴۸). قرآن می‌گوید: ﴿لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا﴾؛ لذت‌های بهشتی آن قدر جاذبه دارند که هرگز تقاضای نقل مکان از آنجا نمی‌کنند» (کهف: ۱۰۸). در آنجا با گشاده‌رویی و احترام با انسان رفتار می‌شود: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾ (زمر: ۷۳).

وقتی این دو نوع لذت (دنیوی و اخروی) با هم مقایسه می‌کنیم، درمی‌یابیم که نمی‌ارزد انسان تنها برای امور دنیا متحمل این همه زحمت شود، بلکه عقل سلیم ایجاب می‌کند که آدمی باید از امکانات دنیوی به اندازه ضرورت استفاده کند تا بتواند به زندگی خویش ادامه دهد؛ به عبارتی، هدف انسان فقط باید توشه برداشتن برای عالم آخرت باشد. بنابراین، انسان در این دنیا باید برای فراهم کردن زمینه لذت‌های بهشتی تلاش کند. قرآن با بیان حقایق، راه را به انسان نشان داده و انتخاب را به عهده او گذاشته است: ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرُوا وَإِنَّمَا كَفَرُوا﴾ (انسان: ۳).

اما با توجه به عبارت ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأُنْبَى﴾ (اعلی: ۱۷)، انسان باید بداند که لذت‌های آخرت به مراتب پایدارتر، لذت‌بخش‌تر و پرجاذبه‌تر است که واژه «خَيْرٌ» بر

آن دلالت دارد و همیشگی و جاودان است که با واژه «أَبْقَى» به آن اشاره شده است. بنابراین، عالم آخرت هم از نظر کیفیت و هم از نظر کمیت بر عالم دنیا برتری دارد.

۵-۲. ایمان به خداوند

قرآن از ایمان به خداوند و یاد و ذکر او، به منزله اساسی ترین راه‌های دستیابی به لذت، شادی و آرامش حقیقی یاد می‌کند؛ چنان که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾؛ آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن‌هاست و آن‌ها هدایت‌یافتگان‌اند» (انعام: ۸۲). از این آیه به‌خوبی استنباط می‌شود که سعادت در زندگی واقعی انسان و رسیدن به لذت در گرو ایمان به خداوند و خضوع در برابر اوست. مراد از «ایمان» در این آیه، مطلق ایمان به ربوبیت است و «ظلم» به معنی مطلق چیزهایی است که برای ایمان مضر بوده و آن را فاسد و بی‌اثر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۷: ص ۲۸۳).

۵-۳. تقوا

از جمله آثار تقوا، پیروزی بر شداید و سختی‌ها و منع نفس از لذات زودگذر است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾؛ هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند» (طلاق: ۳). همچنین، می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾؛ هر کس از خدا پروا دارد، [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد» (طلاق: ۴). موهبت الهی تقوا هم باعث آرامش انسان می‌شود و هم بهجت‌آور است؛ چون لازمه اینکه انسان حیات عقلی و انسانی داشته باشد این است که تابع اصول معینی باشد و لازمه اینکه از اصول معینی پیروی کند این است که از اموری که با هوی و هوس او موافق است، ولی با هدف او و اصول زندگانی او منافات دارد، پرهیز کند (مطهری، بی‌تا، ص ۲۴-۲۵).



۵-۴. زهد

یکی از حالت‌های روحی انسان که دستیابی بدان لذت فراوانی نصیب او خواهد کرد، رسیدن به درجه زهد است. با توجه به عبارت ﴿أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ﴾؛ در دنیای خویش به لذت [زهد در] دنیا رسیدند» (نهج البلاغه، ص ۸۸۷)، زهد یکی از لذت‌های دنیوی است که معنای حقیقی آن، ترک نعمت نیست، بلکه به معنی ترک علاقه و شیفتگی به نعمت‌هاست؛ همان طور که خداوند می‌فرماید: ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾؛ تا بر آنچه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید» (حدید: ۲۳). بنابراین، زهد به معنی دور کردن دنیا از نفس است که از رهگذر آن، ابتهاج و لذتی عظیم‌تر و والاتر از آنچه برای مترفون به دست می‌آید، نصیب صاحبان آن می‌گردد (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ص ۴۲۴)؛ چراکه انسان متصف به زهد، خود را از بسیاری از دل‌بستگی‌ها رها کرده و این حالت برای هر فرد بصیری لذت‌بخش است.

۵-۵. تسلط روح بر بدن؛ عامل شناسایی لذت واقعی

خداوند، آدمی را مرکب از روح و جسم آفریده است. لذت‌های اصیل مربوط به روح و لذا بدنی، فرع هستند. اگر کاری مایه لذت بدن باشد، ولی روح را برنجاند، در حقیقت، درد است نه لذت (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۹).

آن‌ها که عاقل، زاهد، عارف، عابد و بنده خدا هستند و طعم ریاست را به خوبی چشیده‌اند، قبل از اینکه درباره مسائل اجتماعی، سیاسی و... سخن بگویند، در درون خود، تکلیف رئیس و مرئوس را مشخص می‌کنند و می‌گویند روح، باید فرمان بدهد و بدن باید اطاعت کند و این گونه ریاست، لذت‌بخش است؛ مثلاً روح دستور می‌دهد که شما روزه بگیرید، ولی بدن رنج می‌برد و اطاعت می‌کند و روح از این فرمانروایی بر بدن لذت می‌برد یا روح در حالت دفاع و جهاد و نبرد با بیگانه‌ها به بدن دستور می‌دهد و بدن اطاعت کرده، از جایی به جایی حرکت و جهاد را آغاز



می‌کند. همچنین، در نگاه‌نکردن به نامحرم یا گوش‌ندادن به آهنگ‌های حرام و یا نخوردن مال‌های حرام و... ولی جاهل، بدن را بر روح مسلط و آن را امیر و رئیس می‌کند و بر کرسی ریاست می‌نشانند و روح الهی را تحت اسارت بدن می‌گیرد (همان، ص ۲۵۰).

۵-۶. تفکر؛ زمینه‌ساز شناسایی لذت برتر

انسان باید درباره لذت‌های پایدار و ناپایدار و اینکه چه چیزهای انسان را به لذت برتر و بهتر و پایدارتر می‌رساند، فکر کند و برای تفکر خویش نیز برنامه داشته باشد، نه اینکه موقتاً تأملی کند و بعد هم آن را به فراموشی بسپارد. باید بنا را بر این بگذاریم که اصلاً در زندگی برنامه‌ای برای تفکر داشته باشیم و درباره نعمت‌های خداوند و اسبابی که خداوند فراهم کرده تا این نعمت‌ها به دست ما برسد، بیندیشیم. آیا نباید از کسی که این همه اسباب را فراهم کرده تا زمینه حیات و لذت بیشتر ما را فراهم کند، تشکر کنیم؟

باید بینم هدف از آفرینش انسان چیست و چگونه باید به آن هدف رسید. پس، یکی از مواردی که تفکر درباره آن در تصمیم انسان اثرگذار است و موجب می‌شود انسان از هواها و هوس‌های بیهوده و گناه‌آلود صرف‌نظر کند، مقایسه لذت‌های ابدی آخرت با لذت‌های موقت دنیا است.

۶. لذت مادی گرایانه

یک فرد ماده‌گرا تمام پدیده‌های جهان هستی را ناشی از تصادف و طبیعت می‌داند و اعتقاد دارد آدمی چند روزی را در این جهان به سر می‌برد و با مرگ پرونده حیاتش برای همیشه بسته می‌شود. از دیدگاه انسان مادی‌مسلك، زندگی دنیوی، هدف واقعی آدمی است و خوشبختی و سعادت در بهترزیستن و رفاه بیشتر است. در حالی که انسان الهی معتقد است زندگی دنیا یک زندگی موقت و گذرا برای وصول به





زندگی و لذت والاتر و بالاتر یعنی جهان پس از مرگ است. در حقیقت، زندگی مادی برای انسان الهی، وسیله‌ای است برای نیل به لذت واقعی و کمال، نه آنکه هدف واقعی حیات آدمی باشد. بنابراین، چنین انسانی رنج‌ها و ناگواری‌های زندگی را تحمل می‌کند تا به لذت حقیقی نائل آید. اما انسان مادی، زندگی را یک سلسله تکرار مکررات خسته‌کننده و ملال‌آور می‌داند و در نتیجه، کوشش‌های آدمی را نیز عبث و بیهوده تلقی می‌کند (نصری، ۱۳۸۲، ص ۱۹۲).

مادی‌گرایان عموماً لذت را در لذت‌های این دنیا خلاصه کرده‌اند که علت آن، نقص در جهان‌بینی آنهاست؛ مادی‌گراها مرگ را پایان زندگی تلقی می‌کنند و معتقدند لذت‌ها و رنج‌ها با فرارسیدن مرگ پایان خواهند یافت.

انسان به حکم عقل باید لذت‌هایی را که بهتر، پایدار و عمیق‌ترند، انتخاب کند. اما گاهی انس به لذت‌های حسی و مادی یا نقص در جهان‌بینی موجب می‌گردد در این انتخاب به خطا رود و برخلاف حکم عقل و منطق عمل کند؛ در اینجا است که آدمی سزاوار نکوهش می‌گردد.

در دیدگاه مادی‌گرایان، اگر فاعل عمل از چیزی لذت برد، همین دارای ارزش ذاتی است؛ به عبارت دیگر، هر چقدر فرد از لذت بیشتری برخوردار باشد، سعادت‌مندتر است. استدلال مادی‌گرایان برای اثبات ارزش ذاتی لذت این است که انسان طبیعتاً طالب لذت است و از رنج و درد می‌گریزد. برای هر کس خوشی و لذت خود او مطلوب است و هیچ کس رنج و ناراحتی خود را نمی‌خواهد. بر این پایه، ارزش ذاتی و منشأ مطلوبیت لذت، خود فرد است. در نتیجه، کاری که برای فاعل اخلاقی لذت‌بخش باشد، ارزش‌گیری مثبت دارد و باید صورت گیرد و کاری که برای فاعل وی رنج‌آور است، ارزش‌گیری منفی دارد و نباید انجام گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲).

برای روشن شدن بحث، لازم است به دو قسم از مهم‌ترین اقسام لذت‌گرایی مادی اشاره کنیم؛ یکی از انواع لذت‌گرایی در مکاتب مادی‌گرا، لذت‌گرایی حسی یا

شخصی است. تأکید این مکتب بر این است که هر چیزی که دارای لذت حسی باشد، ذاتاً خوب است و ارزش‌های دیگر فقط با همین معیار سنجیده می‌شوند؛ یعنی در این مکتب، فضیلت‌ها و امور معنوی که محسوس انسان نیستند، لذت‌بخش نیستند. بنابراین، از دیدگاه لذت‌گرایان حسی، «معیار خوب و بد، لذت و الم شخصی است. هر انسانی باید چنان رفتار کند که لذت شخصی او تأمین گردد» (کاپلستون، ۱۳۶۸، ج ۱: ص ۱۴۴-۱۴۵).

لذت‌گرایی عمومی، نوع دیگری از انواع لذت‌گرایی است که نقطهٔ مقابل لذت‌گرایی حسی و شخصی است. این نوع لذت‌گرایی را «جرمی بتنام» و «جان استوارت میل» مطرح کرده‌اند. آن‌ها معتقدند فقط لذت فرد اهمیت ندارد، بلکه سعادت یا نفع شخصی هر کسی که نسبتی با عمل من دارد نیز مهم است. این نظریه به «سودگرایی» یا «قاعدۀ نفع عمومی» مشهور شده است. اصل محوری در سودگرایی این است که اصول اخلاقی حاکم بر اعمال ما باید با توجه به تأثیرشان بر همهٔ افراد ذی‌ربط داوری شوند، خواه به بیشترین سعادت برای بیشترین افراد بینجامد یا نه. از نظر بتنام، معیار اخلاقی درست، اصل سود است و غایت اخلاقی که در تمام اعمال باید به دنبال آن باشیم همانا بیشترین غلبهٔ ممکن خیر بر شر در کل جهان است (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۸۶). بنابراین، لذت و اصل سود در صورتی حاصل خواهد شد که حداکثر سعادت ممکن را برای آن گروه‌هایی که از آن عمل متأثرند، ایجاد کند. در صورتی عملی برای همهٔ کسانی که از آن متأثرند، صواب است که لذت ایجاد کند و در صورتی خطاست که الم ایجاد کند (پالمر، ۱۳۹۰، صص ۱۲۸ و ۱۳۰).

۷. ارزیابی دیدگاه مادی‌گرایان دربارهٔ لذت و لذت‌گرایی

۷-۱. غرق‌شدن در لذات مادی و غفلت از لذات اخروی

لذت‌های مادی انسان را از لذت‌های معنوی و برتر غافل می‌کنند و باعث می‌شوند انسان از شناخت لذات کامل‌تر و خالص‌تر و پایدارتر اخروی باز بماند. شیخ اشراق



در این زمینه می‌نویسد: «نفس انسانی که مشغول به تن است، نه از فضایل لذت می‌برد و نه از رذایل الم؛ چون سکر طبیعت بر وی غالب است و وقتی که از این عالم مفارقت کرد و سکر طبیعت برخاست و پرده‌ها کنار رفت، به جهل و هیئت بد ظلمانی و آرزو کردن عالم حسی معذب خواهد شد؛ چنان که در وحی الهی مذکور است: ﴿وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ﴾؛ میان وی و میان آرزوی وی حجاب افتد. و قوت‌ها از او ربوده‌اند؛ نه چشم بینا دارد و نه گوش شنوا. روشنایی عالم محسوس از وی منقطع شده است و او را به روشنایی عالم قدس راه نیست» (سهروردی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۳). بنابراین، اگر انسان از لذت‌های مادی چون مقدمه و ابزار برای رسیدن به لذات برتر و حقیقی استفاده نکند، چیزی جز پشیمانی نصیبش نخواهد شد.

اپیکور، لذات روحی را بر لذات جسمی ترجیح می‌دهد، اما از نظر او لذت روح چیزی جز تفکر درباره لذت‌های جسم نیست. امتیاز و برتری لذت‌های روح بر لذت‌های جسم این است که ما می‌توانیم به‌جای اندیشیدن درباره رنج به تفکر درباره خوشی و لذت پردازیم (راسل، ۱۳۹۴، ج ۱: ص ۳۵۳). اما از اشکالات اساسی این نوع نظریات این است که زندگی آدمی و لذایذ و آلام او را منحصر در این جهان دانسته و حیات اخروی را یا انکار کرده‌اند یا اینکه جزو لذایذ به حساب نیاورده‌اند. حتی اگر بپذیریم معیار انتخاب یک لذت خاص از میان لذایذ متعدد، طولانی بودن مدت آن است، آیا لذایذ اخروی نسبت به لذایذ دنیوی پایدارتر و طولانی‌تر نیستند؟ به تعبیر قرآن، لذایذ اخروی، بهتر، پایدارتر و ماندگارترند: ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾. به هر حال، بی‌اعتنایی به لذایذ اخروی و نادیده گرفتن حیات ابدی انسان، یکی از اشکالات اساسی این مکتب است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳).

قرآن، یکی از موانع درک لذات عقلی و حقیقی را زنگار گرفتن قلب به خاطر گناه می‌داند و از آن به «رین» (یعنی زنگار) تعبیر می‌کند. رین، چرک باطنی است که مانع دیدن چشم دل می‌شود: ﴿كَأَلَّا بِلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ چنین نیست، بلکه کردارشان بر دلشان زنگار شده است» (مطففین: ۱۴).



به همین دلیل، شیخ اشراق، مشغول شدن به امور مادی صرف و جسم را مانع رسیدن به لذت حقیقی می‌داند.

۷-۲. انکار از بُعد ملکوتی انسان یا غفلت از آن

با توجه به اینکه انسان از دو بُعد روحانی و جسمانی تشکیل شده است، مادی‌گرایان به جنبه حیوانی آدمی بیشتر اهمیت داده‌اند و از روح ملکوتی و تمایلات علوی او چشم پوشیده و سعادت را در لذات مادی و اعمال غرایز پایین انگاشته‌اند. در حالی که انسان همان طور که از اعمال غرایز پایین لذت می‌برد، از بهره‌گیری از کشش‌های ملکوتی و والا مانند عدالت‌گری و ظلم‌ستیزی لذت بیشتری می‌برد؛ چرا از میان لذایذ فقط به بخش محدودی توجه کرده و از بخش دیگر چشم‌پوشی شده است؟ (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۷).

به همین دلیل، قرآن مجید، توجه به هوا و هوس‌های زودگذر و صرفاً پرداختن به لذات مادی را مذموم دانسته و آن را از ویژگی‌های حیوانات شمرده است. وابستگی و دل‌بستگی به لذت‌های آنی مانع تفکر و آینده‌نگری و دستیابی به فرصت‌های بهتر می‌شود.

۷-۳. اصالت به لذات آنی

لذت‌های آنی و زودگذر که مادی‌گرایان بر آن تأکید دارند، در بسیاری موارد باعث بروز آلام و بلایا در آینده می‌شوند؛ چنان‌که می‌گساری موجب انواع بیماری‌های روحی و جسمی می‌شود و برعکس، چه بسیارند آلام و رنج‌های فعلی که سرچشمهٔ راحتی و آسایش در آینده می‌شوند؛ چنان‌که یک عمل جراحی امروز که احتمالاً با درد و رنج فراوانی همراه خواهد بود، ممکن است باعث راحتی و لذت انسان در آینده شود (ژکس، ۱۳۶۲، ص ۴۲).

در قرآن و روایات، توجه به لذات آنی مذموم شمرده و انسان به توجه به لذت پایدار تشویق شده است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: ﴿سَتَانٌ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ:



عَمَلٌ تَذَهَبُ لَذَّتُهُ وَ يَبْقَى تَبِعْتُهُ وَ عَمَلٌ تَذَهَبُ مَوْوَنَّتُهُ وَ يَبْقَى أَجْرُهُ؛ فاصله بسیاری است میان دو عمل: عملی که لذتش می‌رود، ولی پیامدهای آن باقی می‌ماند و عملی که رنج و زحمتش می‌رود، اما اجر و پاداش آن ماندگار است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۱).

۴-۷. اصالت به لذات غریزی و نادیده‌گرفتن عقل و عاطفه

اشکال دیگر نظریات مادی‌گرایان در زمینه لذت این است که لذات آنی مورد تأکید آنان به غرایز تعلق دارد، حال آنکه انسان تنها از ابزار غریزه برخوردار نیست، بلکه علاوه بر غرایز، از عقل و عاطفه نیز برخوردار است. با واکاوی این موضوع در مکاتب غربی می‌توان دریافت که نظریه پردازان این حوزه بدون هیچ استدلال و برهانی، از دیگر مواهب انسانی چشم فرو بسته و به آن‌ها مجال ظهور و بروز و اشباع نمی‌دهند. بر فرض هم که به خواسته غیر غریزی توجه کنند، در بحث تزاحم و برخورد چند لذت در یک امر، درباره اینکه انتخاب کدام لذت بر دیگری ترجیح دارد، سکوت اختیار کرده‌اند و نقص پاسخ وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۶۱).

۵-۷. افراط‌گرایی در آزادی انسان برای تعیین ملاک لذت

اگزستانسیالیسم، یکی از مکاتب مادی‌گرا است که به احساسات و آزادی نامحدود انسان توجه افراطی دارد. اما آزادی مطلق و بدون مدیریت مفهومی ندارد، بلکه آزادی مقدمه‌ای برای نظم و مدیریت و تسلط بر رفتار فردی و اجتماعی است (نیکزاد، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳). این مکتب آدمی را به خود وا می‌نهد و این وانهادگی به خودمداری، خودخواهی، تنهایی و حتی از خودبیگانگی می‌انجامد (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۲۸). بنابراین، این مکتب، تعیین لذت و فعل خوب و بد را در اختیار انسان می‌داند؛ عمل خوب، عملی است که آدمی بداند که آن عمل خوب است و بخواهد



که آن عمل، همگانی شود. در حالی که انسان به خاطر محدودیت عقل قادر به تشخیص همه‌جانبه‌ی مصلحت و مفسده خود نیست و وحی و آموزه‌های دینی در این زمینه به کمک انسان می‌آیند (مرحمتی، ۱۳۹۶، ص ۸۳).

بنابراین، می‌توان گفت که مادی‌گرایان در مبحث لذت و لذت‌گرایی اشتراکاتی دارند که عبارت‌اند از: آن‌ها معتقدند سعادت آدمی در گرو برخورداری بیشتر او از لذت است؛ ذاتاً عموم لذت‌ها خوب‌اند و هرچیزی که فی‌نفسه لذت‌بخش و خوشایند باشد، خوب است؛ فقط لذت‌ها ذاتاً خوب‌اند و هرچیز دیگری به غیر از لذت، ارزش ذاتی ندارد؛ ملاک ذاتی بودن، خوشایندی و لذت است (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۱۷۹-۱۸۰).

۸. دستاوردهای مقایسه‌ی مکاتب لذت‌گرا با قرآن درباره‌ی لذت

۸-۱. توجه به کمال‌گرایی در اصول تربیتی اسلام

لذت‌گرایی در صورتی با مبانی اسلامی مطابقت می‌کند که تنها در لذت مادی محدود نگردد و همچنین، انسان به دنبال لذت بهتر و بادوام‌تر یعنی لذت اخروی باشد (سلیمی، ۱۳۹۸، ص ۶). بنابراین، اگر انسان به دستورهای دین عمل کند، به بهترین و پایدارترین لذت‌ها که لذت اخروی است، می‌رسد و سعادت واقعی هم با رسیدن انسان به لذت اخروی محقق می‌شود. انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام بر سعادت و لذت اخروی تأکید و همیشه به پیروان خود توصیه می‌کردند به دنبال لذت پایدار باشند و بدانند که چنین لذتی در این دنیا پیدا نمی‌شود و لذت‌های دنیا سرانجام تمام می‌شوند.

بنابراین، بین لذت و سعادت رابطه‌ی دوسویه وجود دارد که در آموزه‌های دینی هم به آن تأکید شده است. سعادت پایدار با بهترین و بادوام‌ترین لذت سازگاری دارد و چنین سعادت و لذتی فقط در عالم آخرت امکان‌پذیر است. انسان‌های با بصیرت در پی دست‌یافتن به این سعادت و لذات پایدارند.



۸-۲. رضایت خداوند و بندگی او؛ اوج ظهور لذت حقیقی

هر کمالی که مناسب ذات و حقیقت انسان باشد، لذتی در پی دارد. این لذت، هم حقیقی است و هم پایدار و ابدی. پس لذت واقعی از راه تقید به برنامه دینی و بندگی او حاصل می‌شود. هر چه ارتباط انسان با خدا قوی‌تر باشد، لذت بیشتری نصیب او می‌شود. انسانی که خداوند را به طمع لذت‌های بهشتی یا فرار از جهنم عبادت نمی‌کند و تنها از این رو که خداوند شایسته عبودیت و بندگی است، طاعت به جای می‌آورد، به عبادت ناب رسیده است. او عاشق و دل‌باخته خداوند شده است و دیگر لذت‌های دنیا و آخرت برایش ارزش ذاتی ندارند (مرحمتی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶).

من ترک عشق شاهد و ساغر نمی‌کنم

صد بار توبه کردم و دیگر نمی‌کنم

باغ بهشت و سایه طوبی و قصر و حور

با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم

(حافظ، ۱۳۸۱، غزل ۳۵۳)

پیامبران، اولیای الهی و بندگان عاشق و عارف از رضایت خداوند و شادمانی او لذت می‌برند و اصیل‌ترین لذت را همین می‌دانند. در حقیقت، اوج کمال آدمی این است که همه لذت‌های غیراصیل را رها کند و حتی برای رسیدن به این لذت حقیقی تنها برای بهره‌مندی از نعمت‌های الهی کوشش نکند و تنها خواهان لذتی باشد که در سایه رضایت و خشنودی خداوند حاصل می‌گردد.

۸-۳. لزوم هماهنگی لذت با کمالات وجودی انسان

فطرت سلیم انسانی ایجاب می‌کند زمانی که بین لذت‌ها تراجمی باشد، در انتخاب لذت دقت و لذتی را انتخاب کند که با کمالات وجودی او هماهنگ و متناسب



باشد؛ چون زمانی افعال اختیاری انسان دارای ارزش اخلاقی می‌شوند که در رساندن او به کمال واقعی و حقیقی تأثیرگذار باشند.

در این هنگام، عقلانیت الگو گرفته از مکتب اصیل قرآنی انسان را فرامی‌خواند تا از میان لذات گوناگون، لذتی را برگزیند که بهره‌مندی از آن موجب محرومیت از لذت با ارزش‌تری نشود یا با چشم‌پوشی از بعضی لذات دنیوی که برای حیات ابدی انسان رنج‌آورند، به دنبال لذاتی باشد که لذت ابدی را به انسان هدیه می‌دهد؛ در ضمن ارزشمندترین و لذت‌بخش‌ترین جنبه پایبندی به اسلام و آموزه‌های آن، خشنودی خداوند متعال است (سلیمی، ۱۳۹۸، ص ۸).

۸-۴. بهره‌برداری صحیح از غرایز

قرآن کریم در شماری از آیات، از غرایز بی‌قید و شرط و ارضای نامحدود تمایلات نفسانی منع کرده، تذکر می‌دهد که هدف غایی انسان، توجه به خواسته‌های نفسانی سرکش نیست؛ به همین دلیل، از پیروی از هوا و هوس به شدت نهی کرده و کرامت و فضیلت و عدالت‌گری انسان را در گرو بازداری نفس خویش دانسته است؛ برای مثال: ﴿فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْدِلُوا﴾؛ پس، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید» (نساء: ۱۳۵)، ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ﴾؛ و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس بازداشت» (نازعات: ۴۰). طبق این آیات، قرآن کریم، بهره‌گیری از لذات و غرایز را تا حدی شایسته می‌داند که موجب سرکشی هوای نفس و طغیان غرایز نگردد؛ چراکه این‌ها با کمال حقیقی انسان در تعارض‌اند.

۹. نقاط قوت و برتری دیدگاه قرآن بر دیدگاه مادی‌گرایان

۱. از دیدگاه انسان مادی‌مسلك، زندگی دنیوی هدف واقعی آدمی است و سعادت در بهتر زیستن و رفاه بیشتر است، در حالی که انسان الهی و قرآنی معتقد



است که زندگی دنیا، یک زندگی موقت و گذرا برای وصول به زندگی و لذت والا تر یعنی جهان پس از مرگ است.

۲. از منظر قرآن، زندگی مادی وسیله و ابزاری برای وصول به لذت اصیل است. بنابراین، چنین انسانی رنج‌ها و ناگواری‌های زندگی را تحمل می‌کند تا به لذت حقیقی نائل آید. اما انسان مادی، زندگی را یک سلسله تکرار مکررات ملال آور می‌داند و در نتیجه، کوشش‌های آدمی را نیز عبث و بیهوده تلقی می‌کند.

۳. به تعبیر قرآن ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾، لذا لذت اخروی، بهتر، پایدارتر و ماندگارترند. بی‌اعتنایی به لذت‌های اخروی و نادیده گرفتن حیات ابدی انسان، یکی از اشکالات اساسی مکتب مادی‌گرایان است.

۴. مادی‌گرایان به جنبه حیوانی آدمی بیشتر اهمیت داده‌اند و از روح ملکوتی و تمایلات علوی او چشم پوشیده و سعادت را در لذات مادی و اعمال غرایز پایین انگاشته‌اند. در حالی که انسان همان طور که از اعمال غرایز پایین لذت می‌برد، از بهره‌گیری از کشش‌های ملکوتی و والا مانند عدالت‌گری و ظلم‌ستیزی لذت بیشتری می‌برد. مادی‌گرایان از میان لذت‌ها فقط به بخش محدودی توجه کرده و از بخش دیگر چشم‌پوشی کرده‌اند.

۵. اشکال دیگر نظریات مادی‌گرایان در زمینه لذت این است که لذات آنی مورد تأکید آنان به غرایز تعلق دارد، حال آنکه انسان در وجود خویش تنها از ابزار غریزه برخوردار نیست، بلکه علاوه بر غرایز، مواهب دیگری مانند عقل و عاطفه نیز دارد که در قرآن کریم بر اهمیت عقل و تعقل تأکید فراوانی شده است.

۶. مکتب اگزیستانسیالیسم، تعیین لذت و فعل خوب و بد را در اختیار انسان می‌داند؛ یعنی عمل خوب، عملی است که آدمی بداند که آن عمل خوب است و بخواهد که آن عمل، همگانی شود، در حالی که انسان به خاطر محدودیت عقل قادر به تشخیص همه‌جانبه مصلحت و مفسده خود نیست و وحی و آموزه‌های دینی در این زمینه به کمک انسان می‌آیند.



نتیجه گیری

از دیدگاه مادی گرایان، سعادت در کسب هر چه بیشتر لذات دنیوی است، اما اسلام و قرآن، سعادت‌مندی را رسیدن به کمال و لذت حقیقی می‌داند. اصولی را که مکاتب لذت‌گرا برای کسب سعادت‌مندی انسان بیان کرده‌اند، نه تنها سعادت‌بخش نیست، بلکه مشکلات تازه‌ای را فراروی بشر قرار داده‌اند. آن‌ها تنها به یکی از جنبه‌های وجود انسان توجه کرده و از جنبه‌های دیگر غافل مانده‌اند.

گاه نظیر آریستیپوس، اپیکور و راسل به خودگرایی و لذت شخصی قائل بوده‌اند که در این صورت انسان را تا مرتبه حیوانیت پایین می‌کشند و گاه نظیر سودگرایان و عاطفه‌گرایان، سود عمومی و دیگرگرایی را پسندیده و لذت شخصی را نادیده گرفته‌اند. اما در قرآن و دین اسلام، خودگرایی با دیگرگرایی منافات ندارد و این دو در صورتی که در راستای خداگرایی باشند، ارزشمندند و سبب سعادت آدمی می‌شوند.

نکوهش‌های قرآن درباره میل به لذت، به اصل لذت‌طلبی مربوط نیست، بلکه دلیل این مذمت‌ها عواملی عارضی و جنبی، مانند غفلت از لذت‌های پایدارتر و دل‌بستن به لذات آنی و زودگذر یا کوتاهی بعضی انسان‌ها در شکوفا کردن استعداد درک لذت‌های والای انسانی و اکتفا به لذت‌های طبیعی است. بنابراین، انسان بر اثر انس با زندگی مادی، لذت‌های مادی این دنیا را لذت حقیقی می‌پندارد، ولی قرآن کریم، لذت حقیقی را رسیدن به نعمت‌های اخروی، مانند ملاقات با پروردگار و رضایت او، بیان می‌کند.

اگر کسی از میان این دو لذت، لذت‌های لحظه‌ای و کم‌ارزش دنیایی را انتخاب کند، به لذت‌های ابدی و ارزشمند نخواهد رسید. باید دانست که درک لذت حقیقی تنها با ریاضت و عرفان حقیقی که همان عمل صالح و انجام واجبات و ترک گناه است، حاصل می‌شود.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، گردآوری سید رضی، ترجمه فیض الاسلام، تهران: فقیه.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۹۷)، النجاة من الغرق فی بحر الضلالت، ترجمه محمدتقی دانش پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. _____ (۱۳۷۵)، الاشارات والتنبيهات، قم: البلاغة.
۵. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر لطباعة و النشر و التوزیع.
۷. افلاطون (۱۳۶۰)، دوره کامل آثار افلاطون، ترجمه محمدحسین لطفی، تهران: خوارزمی.
۸. بحرانی، هاشم (۱۴۱۶ق)، تفسیر برهان، تهران: بنیاد بعثت.
۹. پالمر، مایکل (۱۳۹۰)، مسائل اخلاقی: متن آموزشی فلسفه اخلاق، ترجمه علیرضا آل بویه، چ ۳، تهران: سمت.
۱۰. تمسکی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «لذت و فرح در قرآن کریم»، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۸ و ۹، ص ۶۷-۸۴.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، مبادی اخلاق در قرآن، چ ۷، قم: اسراء.
۱۲. حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۸۱)، دیوان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی علیشاه.
۱۳. خادمی، عین الله (۱۳۸۹)، «جستاری درباره چستی لذت از منظر ابن سینا»، مجله فلسفه و کلام، ش ۱، ص ۲۹-۵۰.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. رازی، محمد بن زکریا (۱۴۰۲ق)، الطب الروحانی، بیروت: دار الآفاق الجديدة.





۱۶. راسل، برتراند (۱۳۹۴)، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه نجف دریابندری، تهران: کتاب پرواز.
۱۷. روحانی‌نژاد، حسین (۱۳۸۹)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم: زمزم هدایت.
۱۸. ژکس، دریک (۱۳۶۲)، *فلسفه اخلاق (حکمت عملی)*، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران: امیرکبیر.
۱۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۹)، «مکتب لذت‌گرایی در چهره‌های گوناگون»، *فصلنامه کلام اسلامی*، ش ۳۴، ص ۴-۱۷.
۲۰. سلیمی، سیده فاطمه و عیسی مرحمتی (۱۳۹۸)، «مقوله لذت و پیامدهای آن در مکاتب لذت‌گرا و تعالیم قرآنی»، *اولین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی*، ص ۱-۱۲.
۲۱. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۳)، *حکمه الاشراف*، تصحیح هانری کربن، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
۲۲. _____ (۱۳۷۹)، *هایکل النور*، تصحیح محمد کریمی زنجانی، تهران: نقطه.
۲۳. _____ (۱۳۸۰)، *مجموعه مصنفات*، تصحیح و مقدمه هانری کربن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۲)، *نهایة الحکمة*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۵. _____ (۱۳۷۶)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. _____ (۱۳۹۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ ۳، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. طوسی، نصیرالدین محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، *اخلاق ناصری*، تهران: علمیه اسلامیة.
۲۸. فارابی، ابونصر (۱۴۰۵ق)، *فصول الحکمة*، تصحیح محمدحسن آل‌یاسین، قم: بیدار.

۲۹. _____ (بی تا)، *فصول المنتزعه*، تحقیق الفوزی المتری، بیروت: دار المشرق.
۳۰. فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۳)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم: کتاب طه.
۳۱. کاپلستون، فردریک (۱۳۶۸)، *تاریخ فلسفه یونان و روم*، ترجمه جلال الدین مجتوبی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی سروش.
۳۲. کندی، یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۹)، *رسالة الکندی الفلسفیه*، مصر: دار الفكر العربی.
۳۳. مرحمتی، عیسی (۱۳۹۶)، *بررسی تطبیقی مکاتب لذت گرا با مکتب تربیتی قرآن کریم*، آمل: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۳۴. مصباح یزدی، مجتبی (۱۳۷۸)، *فلسفه اخلاق*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، *دروس فلسفه اخلاق*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۶. _____ (۱۳۸۷)، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۷. _____ (۱۳۹۰)، *خودشناسی برای خودسازی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۹. مطهری، مرتضی (بی تا)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، قم: صدرا.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، *تفسیر موضوعی پیام قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۱. ملاصدرا، محمدبن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *شرح اصول کافی*، تصحیح محمد خواجهوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسان و مطالعات فرهنگی.



۴۲. نراقی، احمد (۱۳۷۸)، معراج السعادة، قم: هجرت.
۴۳. نراقی، محمد مهدی (۱۳۵۷)، اللمعة الالهية والكلمات الوجيزة، تصحيح جلال الدين آشتیانی، مشهد: انجمن فلسفه و عرفان اسلامي.
۴۴. _____ (۱۴۰۸ق)، جامع السعادات، بيروت: اعلمي.
۴۵. نصری، عبدالله (۱۳۸۲)، فلسفه آفرینش، قم: معارف.
۴۶. نیکزاد، محمود (۱۳۹۳)، کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، چ ۵، تهران: کیهان.



References

1. *The Holy Quran*.
2. *Nahj al-Balaghah* (2001), Seyed Razi, translated by Faiz al-Islam, Tehran: Faqih.
3. Aflatoon (1982), *the complete period of Plato's works*, translated by Lotfi, M., Tehran: Kharazmi.
4. Bahrani, Hashem (1995), *Tafsir Borhan*, Tehran: Besat Foundation.
5. Copleston, Frederick (1990), *History of Greek and Roman Philosophy*, translated by Mojtabavi, Tehran: Soroush Scientific and Cultural Publications.
6. Dehkhoda, A. (1995), *Dictionary*, Tehran: University of Tehran Press.
7. Farabi, Abu Nasr (1985), *Fosul al-Hekmat*, edited by Al-Yasin, Qom: Awake.
8. Farabi, Abu Nasr (n. d), *Fosul al-Montazeat*, Research by al-Fawzi al-Metri, Beirut: Dar al-Mashreq.
9. Frankenna, William K. (2005), *Philosophy of Ethics*, translated by Hadi Sadeghi, Qom, Taha book.
10. Hafez, Shamsuddin Mohammad, (2002), *Hafez's Divan*, by the efforts of Khalil Khatib Rahbar, Tehran: Safia Ali Shah.
11. Ibn Faris, A. (1984), *Mojam Maqais al-Ajam*, Qom: Islamic Media School.
12. Ibn Manzoom, M. (1994), *Lesan al-Arab*, Beirut: Dar al-Fikr for printing and publishing.
13. Ibn Sina, H. (1397), *Al-Najah Men al-Gharq fi Bahr al-Dhalalat*, translated by M. Daneshpajoo, Tehran: Tehran University Press
14. Ibn Sina, H. (1997), *al-Isharat va al-Tanbihat*, Qom: Balagha.
15. Jaks, Derek (1985), *Philosophy of Ethics (Practical Wisdom)*, translated by Abolghasem Pourhosseini, Tehran: Amirkabir.
16. Javadi Amoli, A. (2010), *Principles of Ethics in the Qur'an*, seventh edition, Qom: Esra.
17. Khademi E. (2004), "An Essay on What is Pleasure from Ibn Sina's Perspective", *Journal of Philosophy and Theology*, No. 1, p. 29-50.
18. Kindi, Yaquub Ibn Ishaq (1991), *al-Kindi Philosophical Treatise*, Egypt: Dar al-Fikr al-Arabi.
19. Makarem Shirazi, Nasser (2003), *Thematic Interpretation of the Message of the Quran*, Tehran, Islamic Library.
20. Marhamati, Issa, (2018), *A Comparative Study of Hedonistic Schools with the Educational School of the Holy Quran*, Amol: University of Holy Quran Sciences and Education.
21. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (1998), *Courses in Philosophy of Ethics*, Qom: Imam Khomeini Institute.
22. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2012), *Self-knowledge for self-improvement*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
23. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (2009), *Critique and review of ethical schools*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
24. Mesbah Yazdi, Mojtaba (2000), *Philosophy of Ethics*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
25. Molasadra (1990), *Description of Osul Kafi*, edited by Mohammad Khajavi, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
26. Mostafavi, Hassan, (1990), *Research in the words of the Holy Quran*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
27. Motahari, Morteza (n. d), *Collection of works of Master Shahid Motahari*, Qom: Sadra.
28. Naraghi, Ahmad (2000), *Meraj al-Saadat*, Qom: Hijrat.
29. Naraghi, Mohammad Mehdi (1988), *Jame al-Saadat*, Beirut: Alami.
30. Naraghi, Mohammad Mehdi (1997), *al-Lomaat al-Elahiyat wa al-Kalamat al-Wajiza*, edited by Jalaluddin Ashtiani, Mashhad: Islamic Philosophy and Mysticism Association.
31. Nasri, Abdullah (2004), *Philosophy of Creation*, Qom: Maaref Publishing.
32. Nikzad, Mahmoud (2015), *Generalities of Philosophy of Education*, fifth edition, Tehran: Kayhan.
33. Palmer, Michael (2012), *Ethical Issues: Educational Text of Philosophy of Ethics*, translated by AlBouyeh, third edition, Tehran: Samt.
34. Razi, M. (1982), *al-Teb al-Ruhani*, Beirut: Dar al-Afaqah al-Jadidah.
35. Rouhani Nejad, H. (2011), *Education in Islam*, Qom: Zamzam Hedayat.

36. Russell, Bertrand (2016), *History of Western Philosophy*, translated by Najaf Daryabandari, Tehran: Flight Book.
37. Salimi, F., Marhamati, I. (2020), "The category of pleasure and its consequences in hedonistic schools and Quranic teachings", *First International Conference on Religion, Knowledge and Quality of Life*, p.1-12.
38. Sobhani, J. (2001), "The school of hedonism in various figures", *Islamic Theology Quarterly*, No. 34, p. 4-17.
39. Suhrawardi, Sh. (1995), *Hekmat al-Eshraq*, edited by Henry Corben, Tehran: Cultural Research Institute.
40. Suhrawardi, Sh. (1995), *Hiakel al-Noor*, edited by Mohammad Karimi Zanjani, Tehran: Noqte.
41. Suhrawardi, Sh. (2002), *Collection of works, correction and introduction*: Henry Carbon, Tehran: Institute of Humanities.
42. Tabatabai, M. (1984), *Nehayat al-Hekmat*, Qom: Islamic Publishing Institute.
43. Tabatabai, M. (1998), *al-Mizan Fi Tafsir al-Quran*, translated by Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, fifth edition, Qom: Islamic Publications Office.
44. Tabatabai, M. (2015), *al-Mizan Fi Tafsir al-Quran*, third edition, Beirut, Scientific Foundation for Publications.
45. Tamasoki, M. (2008), "Pleasure and Farah in the Holy Quran", *Journal of Applied Issues of Islamic Education*, No. 8 & 9, p. 67-84.
46. Tusi, Nasir al-Din Muhammad (1993), *Nasiri ethics*, Tehran: Islamic Theology.

